**تسویف‏**

دی ۱۵, ۱۳۹۴

مصطفى اسکندرى‏

**اشاره**:

نفس آدمى سرشار از ملکات روحى متفاوت است که فضایل و رذایل اخلاقى ناشى از آن ملکات مى‏باشد. بر سالک لازم است تا فضایل و رذایل روحى و اخلاقى خود را بشناسد تا فضایل را تقویت کند و رذایل را از بین ببرد و این پل خداشناسى و توحید است؛ زیرا که «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبّه‏». گاهى انسان علم به حسن کارى دارد، ولى در انجام آن سست است یا قبح کارى را مى‏داند، ولى در ترک آن کوتاهى مى‏کند. این ضعف اراده‏ها ناشى از حالت‏هاى ثابت روحى افراد است که در شناخت و اصلاح آن کوتاهى مى‏کنند. یکى از اهداف نشریه، شناساندن رذایل اخلاقى براى مبارزه با آنها و تشکیل یک ساختار الهى و معنوى براى سالک است. در این نوشتار با تسویف و آثار آن آشنا مى‏شوید.

تسویف از ریشه” سوف” و به معناى تأخیر انداختن، مماطله و امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است.

گاهى حالتى در انسان به وجود مى‏آید که او خود مى‏داند در کارى اشتباه مى‏کند و قصد برگشتن از آن کار را هم دارد؛ اما گویى توان تصمیم‏گیرى و اقدام کردن را از دست داده است و هرگاه تصمیم به بازگشت مى‏گیرد، وسوسه مى‏شود که هنوز فرصت بسیار است و خویشتن را به فردا وعده مى‏دهد و انجام آن کار را به وقت دیگرى موکول مى‏کند. لحظه‏ها پشت سر هم مى‏آیند و مى‏روند و او اسیر کارهاى دیگرى است. این حالت، ممکن است هم درکارهاى مادى پیش آید و هم در کارهاى معنوى. به این حالت «تسویف» یا «مطال» گفته مى‏شود. همان طور که «تسویف» در امور مادى و دنیوى، انسان را از تنگى وقت غافل مى‏کند و از انجام آن کار باز مى‏دارد، در امور معنوى نیز باعث غفلت او از خدا، مرگ و قیامت مى‏شود و از اعمال نیک باز مى‏دارد.

در آموزه‏هاى معصومان علیه السلام به شدت چنین حالتى تقبیح و به عواقب آن هشدار داده شده است. امام على علیه السلام در دعاى کمیل از این حالت به خدا شکایت کرده، مى‏فرماید: «وخدعتنی الدنیا بغرورها و نفسی بجنایتها و مطالی‏؛ و دنیا مرا با غرور (و ظاهر فریبنده‏اش) فریفته است، و نفسم با جنایتش، و با مماطله کردنم (مرا بازداشته است)».

**آثار تسویف‏**

تسویف چه ناشى از عامل درونى باشد که تن پرورى است و یا ناشى از عامل بیرونى که شیطان است، تأثیراتى فوق العاده در انسان به جا مى‏گذارد و در احادیث معصومان علیهم السلام بدان‏ها هشدار جدى داده شده است که برخى از آنها را ذکر مى‏کنیم:

1. **غفلت از یاد خدا و قیامت:**

امام صادق علیه السلام مى‏فرمایند: «

فتدارک ما بقی من عمرک و لا تقل غداً أو بعد غد، فإنّما هلک من کان قبلک بإقامتهم علی الأمانی و التسویف حتی أتاهم أمرالله بغته و هم غافلون‏

؛[[۱]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_edn1) پس ما بقى عمر خویش را دریاب و مگو فردا یا پس فردا؛ زیرا کسانى که قبل از تو مى‏زیستند، به سبب دو چیز

هلاک شدند: (یکى) باقى ماندنشان بر آرزوها، و (دیگرى) امروز و فردا کردن‏ها، تا اینکه (مرگ و) امر خدا ناگهانى آنان را گرفت؛ در حالى که آنان در غفلت به سر مى‏بردند».

1. **افتادن به ورطه گناه:**

امام حسین علیه السلام مى‏فرمایند: «واستولی علیه التسویف حتی سالم الأیام فاعتنق المحارم و الآثام‏

؛[[۲]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_edn2) تسویف بر او غلبه یافت؛ به حدى که با روزگار مصالحه و با محرمات و گناهان دست به گردن شد».

1. **هلاکت**:

امام باقر علیه السلام مى‏فرماید: «إیاک و التسویف فإنه بحر یغرق فیه الهلکی‏

؛[[۳]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_edn3) بر حذر باش از تسویف؛ زیرا آن دریایى است که انسان غوطه‏زنان در آن هلاک مى‏شود».

1. **حیرت، سرگردانى و پوچى:**

امام صادق علیه السلام مى‏فرماید: «تأخیر التوبه اغترار و طول التسویف حیره

؛[[۴]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_edn4) به تأخیر انداختن توبه، فریب خوردن است و طولانى شدن تسویف، مایه حیرت است».

1. **از دست رفتن فرصت‏ها:**

امام على علیه السلام فرموده است: «الفرصه تمرّ مرّ السحاب، فانتهزوا فرص الخیر

؛[[۵]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_edn5) فرصت‏ها همچون ابرها درگذرند. پس فرصت‏هاى نیک را غنیمت شمارید».

1. **غم و اندوه:**

تسویف به دنبال خود غم و اندوه براى انسان مى‏آورد؛ چون موجب از دست دادن فرصت‏ها مى‏شود. امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن سفارش‏هاى خود به امام مجتبى علیه السلام مى‏فرماید: «

بادر الفرص قبل ان تکون غصه؛[[۶]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_edn6)

پیش از آنکه فرصت از دست برود و مایه اندوهت گردد، آن را غنیمت شمار».

1. **پشیمانى**:

پیامبر بزرگوار اسلام صلى الله علیه و آله و سلم در سفارش‏هاى خود به ابوذر مى‏گویند: «یا أباذر إیاک و التسویف بعملک، فإنک بیومک و لست بما بعده، فإن یکن غد لک فکن فی الغد کما کنت فی الیوم، و ان لم یکن غد لک لم تندم علی ما فرطت فی الیوم‏

؛[[۷]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_edn7) اى ابوذر! بر حذر باش از تسویف در کار خویش؛ زیرا تو امروز هستى (و امروز را در اختیار دارى) و بعد از آن نیستى. اگر فردایى براى تو بود، فردا نیز همانند امروزت باش (و کارهایت را در وقت خود انجام ده) تا اگر فردایى براى تو در کار نبود، از کم کارى امروزت پشیمان نخواهى شد».

1. **نابودى و فناى عمر:**

اثر دیگر تسویف است. امام سجاد علیه السلام در دعاى ابوحمزه به همین موضوع اشاره دارند: «

الهی افنیت بالتسویف و الآمال‏

**عمری‏**

؛ خداوندا! به وسیله تسویف وآرزوهاى بیجا، عمرم را نابود کردم».

از آنچه گذشت، روشن شد که تسویف حالتى هلاک کننده است و انسان را گرفتار پیامدهاى عدیده‏اى مى‏کند. بدین جهت آدمى باید پیوسته مراقب خویش باشد تا گرفتار چنین حالتى نشود. اما راه گریز از این حالت چیست؟ در روایات پاسخ این سؤال چنین آمده است: انسان، نقد را بگیرد و خود را به نسیه حواله ندهد و کار امروز را به فردا نیفکند؛ چون:

اوّلًا، آدمى هیچ‏گونه تضمینى ندارد که فردا زنده باشد تا بتواند کار عقب افتاده‏اش را انجام دهد.

و ثانیاً، اگر فردایى هم براى او باشد، ناچار است که کار فردا را نیز به روز بعد بیندازد و در نتیجه همیشه کار او عقب خواهد بود. بدین جهت حضرت پیامبر صلى الله علیه و اله و سلم در ادامه همان سفارش‏هایش به ابوذر مى‏فرماید: «یا أباذر إذا أصبحت فلا تحدث نفسک بالمساء، و إذا أمسیت فلا تحدث نفسک بالصباح، و خذ من صحتک قبل سقمک و من حیاتک قبل موتک، فانک لا تدری ما اسمک غداً؛ اى اباذر! هر گاه صبح کردى، خویش را به عصر وعده نده، و چون به عصر رسیدى، خویش را به صبح وعده نده، و از سلامتى‏ات قبل از بیمارى‏ات، و از زندگى‏ات پیش از فرا رسیدن مرگت (بهره) بگیر (وآن را غنیمت شمار)؛ چون تو نمى‏دانى که نام تو فردا چه خواهد بود (زنده و یا مرده!)».

آدمى که حتى نمى‏داند آیا تا دقیقه دیگر زنده است یا نه، معلوم نیست با چه جرئت و امیدى کار امروز را به بعد موکول مى‏کند؟! و آیا چنین کارى، عاقلانه است؟! به امید توفیق رهایى از غفلت و کارهاى غفلت‏زا.

**پیوست‌ها:**

[[۱]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_ednref1) . بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۲۰۷.

[[۲]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_ednref2) . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۲.

[[۳]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_ednref3) . بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۵.

[[۴]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_ednref4) . نهج‏البلاغه، کلمه قصار ۲۱.

[[۵]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_ednref5) . همان، نامه ۳۱.

[[۶]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_ednref6) . بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۵.

[[۷]](http://bonyadhad.ir/2886%22%20%5Cl%20%22_ednref7) .آیت‏الله سید احمد کربلایى قدس سره، تذکره المتقین، ص ۱۷۸